

## اقتصاد بازار و فناوری اطلاعات

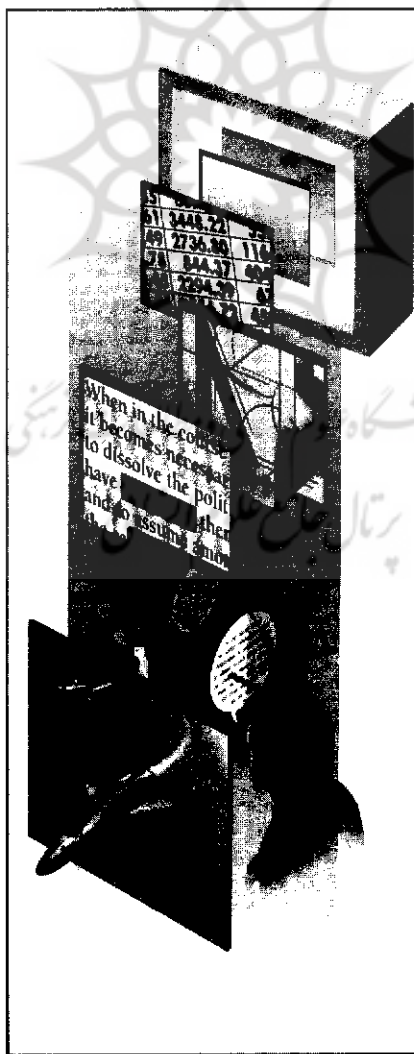


خوشبینان ضمن شناسایی گزینه‌ها به صورت تلویحی، یا به وضوح، تأثیر آرام و فراگیر فناوری را متذکر می‌شوند و به ارائه چشم‌اندازهایی از جهانی غیر قابل تصویری پردازند که با محصولات و خدمات اطلاعاتی انباشته شده است.

این مقاله قصد ندارد با این چشم‌اندازها به جدال برخیزد. چشم‌اندازهایی از این دست نشان می‌دهند که چگونه گروه‌هایی از مردم قادرند در یک حوزه فرهنگی مشخص، که کمابیش هزاران یامیلیون‌ها نفر را شامل می‌شود، با بهره‌گیری سازنده از فناوری جدید، زندگی خویش را غنا بخشند. بیشتر این چشم‌اندازها کاملاً تحقق‌پذیر هستند و حتی برخی از آنها برای برخی مردم تحقق یافته است و در آینده‌ای نزدیک برای تعداد بیشتری تحقق خواهد یافت.

بحث ما در این مقاله پیرامون این مطلب است که چشم‌اندازهای مزبور، به دلیل تصویر یکدست و مساوات طلبانه‌ای که از آینده ارائه می‌دهند، غیرواقعی و منحرف‌کننده‌اند. این چشم‌اندازها به شکلی گزینشی تنها آن دسته از افراد را محور بحث قرار می‌دهند که در رشد، توسعه و بهره‌برداری از فناوری اطلاعات، پیشرو محسوب می‌شوند. بنابراین چشم‌اندازهایی از این دست تنها زندگی اعضای نخه و ثروتمند جوامع انسانی را مدنظر دارند و تصویر آنها از رشد و توسعه فناوری اطلاعات، حداکثر کشورهای پیشرفته صنعتی را دربرمی‌گیرد. آنها از درک این نکته غافل می‌مانند که امکان دسترسی به آخرین دستاوردهای فناوری به نحوی عادلانه توزیع نشده است. آری، این امکان نه تنها تقریباً برای کل اعضای جوامع غیرصنعتی، بلکه حتی برای اعضای طبقات

در بریتانیا و دیگر جوامع صنعتی پیشرفته، هنوز رویداد انقلاب اطلاعات و ارتباطات در دهه گذشته، مورد بحث و مشاجره است. هم‌اکنون بخش اعظم افراد شاغل، برای انجام امور خود از رایانه و یا دیگر ابزارهای مجهز به میکروپروسسور استفاده می‌کنند. این روند رو به رشد، طبیعت، وضعیت کار و همچنین چشم‌انداز آینده شغلی آنها را دگرگون کرده است، اما با این حال اگر بخواهیم تمام این تحولات را نوعی انقلاب محسوب کنیم، با استقبال چندان گسترده‌ای مواجه نخواهیم شد.



برای مثال، رشد بیکاری و عدم توازن در تقسیم درآمد در دهه ۸۰ میلادی محصول مستقیم سیاست‌های مارگارت تاچر بود، نه رشد و توسعه فناوری اطلاعات. اهمیت تأثیر سیاست تاچریسم بر بیکاری و مسأله تقسیم درآمدها انکارناپذیر است، اما موفقیت سیاسی تاچریسم در دهه ۸۰ از مقوله رشد و توسعه فناوری اطلاعات تفکیک‌ناشدنی است. برای مثال رکود اقتصادی در اوایل دهه ۸۰ که به کاهش اشتغال و اخراج ۲ میلیون نفر از کارخانه‌ها انجامید، به مسأله تطبیق با فناوری‌های جدید نسبت داده شد.

نقش اثرات اجتماعی بر طبیعت فناوری‌های جدید و همچنین تأثیرات اجتماعی ناشی از قبول آنها می‌تواند به ایجاد حوزه‌های مطالعاتی گسترده‌ای منجر شود که بی‌شک از ایدئولوژی تاچریسم بسیار پیچیده‌تر است. مطالعات انتقادی، نظیر آنچه «وبستر» و «رایین» در ۱۹۸۶ و کامن انجام داده‌اند از جهات بسیار قابل تفسیرند و جای اندکی برای ارائه تعمیم‌های تجربی پیرامون تحولات اخیر باقی نگذاشته‌اند. همچنین

IBM را از ۱۹۲۰ تا ۱۹۵۰ برعهده داشت و همچنین شیوه بی‌در و پیکر تجارت این شرکت، انگیزه اصلی تصویب قانون ضد تراست در ایالات متحده بوده است. IBM موقعیت انحصاری خویش را در فاصله میان دو جنگ با فروش equip ment Tabulating card به دست آورد و این موقعیت انحصاری از طریق انحصار فروش مکانیسم‌های پانچ‌کارت که یکی از تجهیزات ورودی ضروری برای رایانه بود، تثبیت شد. در حقیقت IBM با پایین آوردن قیمت به منظور نابود کردن رقبا، توانست این موقعیت انحصاری را کسب کند.

اما حتی IBM نتوانست به پیشرفت‌های روزافزون و پرسرعت در عرصه فناوری پاسخ گوید. پیشرفت‌هایی که در دهه هشتاد ظهور ریز رایانه، نمود آن به شمار می‌رفت. در دهه ۹۰ کمپانی IBM به شکل بی‌سابقه‌ای ضرر داد و برای نخستین بار در تاریخ مجبور شد که مجموعه‌ای از برنامه‌های زائد و تکراری و سنگین را به دوش بکشد. «والاس»، «اریکسون» و «کرینگلی» توضیح می‌دهند که چگونه میکروسافت طی یک توافقنامه دوستانه عملاً موقعیت IBM در بازار را تحلیل برد. اما خود میکروسافت نیز در وهله اول پاسخ به نیاز کاربران را در اولویت نخست برنامه‌های خود قرار نداد و به جای آن، انحصارات جدیدی را پی‌ریزی کرد.

هم‌اکنون سلطه میکروسافت بر بازار نرم‌افزارهای رایانه‌های شخصی حقیقتاً بسیار وسیع‌تر از انحصار IBM بر گستره رایانه‌های «مین فریم» است. سلطه میکروسافت با فروش ارزان برنامه‌هایی که به منظور ایجاد یک انحصار مجازی بر برنامه‌های سیستم عامل طراحی شده بود، به دست آمد. سیاست راهبردی [استراتژی] فروش میکروسافت بر ارائه سیستم‌های Client/Server جدید به مشتریان

محصول سرمایه‌داری است، بنابراین طبیعت و ساختار آن به منظور فروش و عرضه به بازار ساخته و پرداخته شده، نه برای خلق یک «اتوپیا» یا جامعه‌ای عدالتخواه و تساوی طلب. دوم آنکه سرعت تحول در رشد و توسعه فناوری اطلاعات به معنای آن است که در آینده‌ای قابل پیش‌بینی، فاصله‌های اجتماعی و فرهنگی میان سطوح مختلف بهره‌گیری از فناوری اطلاعات افزایش خواهد یافت، به ویژه فاصله میان کسانی که به فناوری جدید دسترسی دارند و کسانی که فاقد چنین امکاتی هستند.

سوم آنکه رشد و توسعه فناوری‌های جدید اطلاعات بر مبنای فناوری موجود صورت می‌پذیرد.

و چهارم آنکه، آن دسته از اعضای جامعه و کشورهایی که ثروتمند و تحصیلکرده هستند، نسبت به افراد فرودست جامعه در موقعیت بهتری برای بهره‌برداری از فناوری‌های جدید قرار دارند. و درست همین عوامل سوم و چهارم هستند که نابرابری‌های موجود را تقویت و ریشه‌های آن را عمیق‌تر می‌کنند.

### سرمایه‌داری و فناوری اطلاعات

شیوه معمول رشد و توسعه در میان بازیگران اصلی در صنعت رایانه محور رقابت و ایجاد شرایطی نزدیک به انحصار از طریق خلق یک استاندارد است. زمانی که چنین استانداردی ایجاد شد، با اطمینان خاطر و بدون هراس از قیمت‌های رقابتی رقبا، قیمت تعیین شده به مصرف‌کننده تحمیل می‌شود. سود حاصله را نیز می‌توان در جهت ریشه‌کن ساختن رقبای بالقوه مصرف کرد. IBM دهه‌های متمادی ۸۰ درصد از سهم بازار رایانه را به انحصار خویش درآورده بود. بنا به نظر «دکامارتر» تجربه «توماس واتسون» که مدیریت

فرودست جوامع صنعتی نیز بسیار محدود است.

### عواملی که به نابرابری دامن می‌زند

بحث محوری این مقاله آن است که رشد توسعه فناوری اطلاعات از خلق جهانی برخوردار از عدالت به دور است و حتی جهان را هرچه بیشتر در ورطه نابرابری غوطه‌ور می‌سازد و جوامع انسانی را هرچه بیشتر از هم گسیخته و تکه‌تکه می‌کند. رشد و توسعه فناوری اطلاعات نه تنها منجر به تشدید نابرابری‌های موجود می‌شود، بلکه نابرابری‌های جدیدی نیز خلق می‌کند. جهان آینده از خصوصیات برخوردار است که در داستان علمی تخیلی Nevromancer و دیگر آثار «ویلیام گیسیون» خالق واژه Cyber Space به تصویر درآمده است. آری جهان «گیسیون» واقعی‌تر از «اتوپیاها» [مدینه فاضله] تکنوکرات‌هاست. «گیسیون» درباره نخبگان ثروتمند آینده نمی‌نویسد. البته ناگفته نماند که وی ممکن است چند صفحه‌ای را به فرزندان آنها اختصاص دهد. امام‌حور اصلی داستان‌های «گیسیون» زندگی خارق‌العاده آدم‌های معمولی است که در پس‌مانده‌های برج‌های مانده از جوامع صنعتی زندگی می‌کنند. جهان «گیسیون» جهان چندگانه گروه‌های متخاصم، جهان سبک‌ها و شیوه‌های زندگی‌گذا و جهان آدم‌هایی است که از ناامیدی به ذرات فناوری جنگ زده‌اند تا زندگی را برای خویش قدری قابل تحمل کنند.

«گیسیون» یک عالم علوم اجتماعی نیست، اما چهار دلیل وجود دارد که چرا باید تصورات وی را به همان اندازه چشم‌اندازهایی که خوشبینان عرضه می‌کنند، جدی گرفت. تصوراتی که با توجه به نابرابری‌های فزاینده و رو به رشد، منطقی به نظر می‌رسند.

نخست آنکه رشد و توسعه فناوری اطلاعات،

هفته سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

عصر یکشنبه‌ها در مناطق جنوب

نسیم جنوب

دفتر مرکزی: بوشهر، خیابان ولیعصر صندوق پستی: ۱۱۹۹

تلفن: ۲۵۲۳۳۳۳ (۰۷۷۱)

پیشین IBM و همچنین ارائه سیستم‌های مناسب به کسانی که ریزرایانه‌هایشان قدیمی و از رده خارج محسوب می‌شد، متکی بود. سیاست راهبردی فروش مایکروسافت حمایت فعال تولیدکنندگان ریزرایانه و لوازم جانبی را به دست آورد. برنامه‌های جدید مایکروسافت چه از نظر میزان سرعت پروسسور و چه از نظر حجم حافظه موردنیاز، متقاضی بسیار دارند و تأثیر بسیار مثبتی نیز در فروش سخت‌افزارها داشته‌اند. چیزی غیراخلاقی درباره سیاست فروش مایکروسافت وجود ندارد. مایکروسافت دیگر نیازی به رهاکردن خویش در آن نوع از رقابت که به مدد آن IBM اسطوره خویش بر بازار را تثبیت کرد، ندارد. به لحاظ کارایی نیز سیستم‌های مایکروسافت بسیار کارتر از سیستم‌هایی هستند که جایگزین آن شده‌اند. اما نکته اصلی اینجاست که سیاست راهبردی بازاریابی مایکروسافت برای کسب سلطه از طریق تثبیت برنامه‌های این شرکت به مثابه یک استاندارد و نهایتاً فروش به سازمان‌های بزرگ طراحی شده است و رفع احتیاجات کاربران، تنها یک امر ثانوی در این سیاست راهبردی محسوب می‌شود.

«تافلر» در اوایل دهه ۷۰ میلادی با خلق واژه Prosumer سعی کرد خطی که تولیدکننده را از مصرف‌کننده جدا می‌کند تا اندازه‌ای محو سازد، اما مفهوم Prosumer نتوانست خصلت اصلی بازار ریزرایانه‌ها را درگرون کند. بیشتر کاربران مایکرورایانه‌ها در وضعیت بصری می‌برند که با مفهوم Prosumer به هیچ وجه سرسازگاری ندارد. کاربران هیچ حق انتخابی درباره طبیعت سیستم‌هایی که با آنها کار می‌کنند، ندارند. کاربران در سازمان‌ها نیز نسبت به کاربرانی که در دهه ۷۰ با ترمینال‌های رایانه‌ای که روی میزشان راه اندازی می‌شد، کار می‌کردند، اختیار بیشتری ندارند. کسانی هم که رایانه می‌خرند تنها حق انتخاب از میان چند مدل را دارند که تازه همگی با برنامه‌های مایکروسافت راه اندازی می‌شوند.

«نایزبیت» و «بردن» اعتقاد دارند که فناوری جدید نمایانگر پیروزی فرد است، اما از نظر من فناوری تنها در این مفهوم فرد را قدرتمند می‌کند که برنامه‌های جدید، پیچیده‌تر و قدرتمندتر از انواع قدیمی آن است. مشکل اصلی این است که در شرایط کنونی نمی‌توان روش یا مسیری را شناسایی کرد که انتخاب یا به‌کارگیری آن به این

امر منجر شود که قدرت بخشیدن به افراد به خلق جامعه‌ای عدالت‌خواه بینجامد. خلق جامعه‌ای عدالت‌خواه مطمئناً در دستور کار مایکروسافت قرار ندارد.

## ردپای تحول

چشم‌انداز کاربران سیستم‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات اغلب بیانگر نوعی خوشبینی مساوات‌طلبانه است. کاربران می‌توانند به سهولت، دیگر کاربرانی را که از سیستم مشابه استفاده می‌کنند، شناسایی کنند. بهره‌گیری از یک سیستم می‌تواند به عضویت در یک گروه که

پیشرفت‌های فناوری‌های افزون‌تر بوده‌اند اما به نظر می‌رسد که رایانه دیجیتالی در طول زمان در بروز گستره وسیعی از پیشرفت‌ها، پدیده‌ای بی‌نظیر و منحصر به فرد بوده است.

«جرج مور» بنیان‌گذار شرکت اینتل (Intel) قانونی را فرموله کرده است که مطابق با آن، تعداد ترانزیستورهایی که از یک قطعه سیلیکون ساخته می‌شود، هر هجده ماه، دو برابر افزایش می‌یابد. محصولات کمپانی اینتل و دیگر کمپانی‌های تولیدکننده «چیپ» تا این لحظه از قاعده مذکور تبعیت کرده‌اند. به همین ترتیب، برآوردها نشان می‌دهد که قیمت نیمه‌هادی‌های دو دهه گذشته هر سال ۲۰ درصد کاهش یافته است و پیش‌بینی می‌شود که این روند رشد و توسعه در سالهای آتی نیز ادامه یابد.

در دیگر اجزای سیستم‌های رایانه‌ای، به‌ویژه در سیستم‌های ذخیره‌ساز اطلاعات، پیشرفت‌های مشابهی به وقوع پیوسته است. همچنین اختراع Packet switching، بهره‌برداری از شبکه تلفن موجود را که برای نقل و انتقالات آنالوگ طراحی شده، آسان کرده و همچنین توسعه شبکه فیبرهای نوری، پیشرفت‌های قابل توجهی را در افزایش ظرفیت سیستم‌های ارتباط از راه دور نوید می‌دهد.

این پیشرفت‌ها دائماً طبیعت رشد و توسعه فناوری اطلاعات را درگون و گسترده می‌کند. تا دهه ۸۰ قیمت تجهیزات وابسته به فناوری اطلاعات نسبتاً بالا بود. آخرین دستاوردها در این زمینه به بخش تجاری محدود می‌شد و در معرض دید و دسترسی عموم قرار نمی‌گرفت. اما از اوایل دهه ۸۰ و به‌ویژه در دهه ۹۰، قیمت این تجهیزات تا حد عرضه انبوه به بازار پایین آمد. هم‌اکنون گستره وسیعی از تجهیزات وابسته به فناوری اطلاعات در دسترس بخش مهمی از جمعیت کشورهای پیشرفته صنعتی قرار دارد. انتظار می‌رود که رشد و توسعه به جایی برسد که قیمت‌ها تا اندازه‌ای نزول کند که بخش اعظم کاربران با این تجهیزات به مثابه محصولات یک بار مصرف برخورد کنند. چنین سرعتی در پیشرفت‌های فن‌شناسی به چند گونه‌ی محصولات در خدمات و سطوح مختلف بهره‌وری از فناوری اطلاعات یاری رسانده است. در خط مقدم، گروهی از کاربران پیشرفته قرار دارند که به آخرین دستاوردهای فناوری مجهزند و هر سال

## از فواید چشم‌انداز دنیواری که در مورد نتایج پیشرفت در فناوری اطلاعات عرضه می‌شود، درواقع فقط کشورهای صنعتی پیشرفته بهره می‌برند

برخی، از خصلتی بین‌المللی نیز برخوردارند، منجر شود. همچنین بهره‌گیری از سیستم‌های مبتنی بر فناوری اطلاعات می‌تواند به عضویت در جامعه جهانی ختم شود، البته به مدد امکانی که سیستم‌های ارتباطی نظیر اینترنت و مجمع ارتباطات پیشرفته (APC) فراهم کرده‌اند. آحاداً چشم‌انداز کاربران از این خصلت فناوری است که به بینش خوشبینانه‌ای که در بخش اول مقاله به اختصار ذکر شد، دامن زده است.

چنین چشم‌اندازهایی از درک سطوح گوناگون و مختلفی که در ارتباط با رشد و توسعه فناوری اطلاعات قرار دارد، عاجزند. در پس‌پشت ساختار نافذ و رنگارنگ فناوری اطلاعات، رشدی سریع و مداوم از پیشرفت‌های فن‌شناسی (تکنیکی) قرار دارد که در تاریخ نوع بشری سابقه است. برخی ابداعات نقطه شروعی برای

آفریقایایی و آسیای جنوب شرقی است. گزارش های UNDP ارزیابی های جزئی نظیر مقایسه درآمد ناخالص ملی را به منظور ارزیابی سطوح مختلف توسعه ناکافی می داند، اما با این حال، تفاوت در درآمد ناخالص ملی را می توان به عنوان بازتابی از توانایی کشورها برای پرداخت هزینه های مربوط به خرید و یا بهره برداری از محصولات و خدمات مبنی بر فناوری اطلاعات قلمداد کرد. چنین تفاوتی در درآمد ناخالص ملی می تواند با سطوح گوناگون فراساختار، فناوری اطلاعات که قبلاً پیرامون آن بحث شد، ارتباط نزدیکی داشته باشد. حتی می توان این انتظار را داشت که تفاوت در سطوح درآمدها اغلب به شکلی هم افزایانه همراه با تفاوت در سطح فراساختار منجر به تفاوت ها در سطح رشد و توسعه فناوری اطلاعات شود.

ابعاد دیگر توسعه که گزارش های UNDP آنها را به رسمیت شناخته، مواردی چون سوادآموزی بزرگسالان، مدت زمان تحصیل، توزیع درآمد و نابرابری های جنس را شامل می شود. این تصویری

کاربران وجود نداشته باشد اما نکته اینجاست که علی رغم پیشرفت مداوم، بالاترین سطح فناوری همیشه قیمت سرسام آوری دارد و این به معنای آن است که به جای اینکه با پیشرفت فن شناسی، فاصله میان کاربران این سطح از فناوری با غیرکاربران کاهش یابد، دائماً ژرف تر می شود.

### تقسیم درآمد و ثروت

گزارش های برنامه توسعه سازمان ملل متحد، نظام مندترین رویکرد در ارزیابی موضوع برابری انسان ها را در مقیاس جهانی به دست می دهد. گزارش های UNDP تنها به مسأله نابرابری میان ملل مختلف و مقایسه آمارهای اقتصادی بسنده نمی کند و حوزه های دیگری چون نابرابری و عدم توازن در تقسیم درآمدها در هر کشور، میزان طول عمر و انتظارات از زندگی، آموزش و پرورش، نابرابری های جنس و آزادی های ابتدائی را نیز مدنظر قرار می دهد. سطح درآمد ناخالص ملی در کشورهای پیشرفته صنعتی، افزون برده برابر سطح در آمار ناخالص ملی در بیشتر کشورهای

سیستم های خود را ارتقاء می دهند و در طرف دیگر، بخش اعظم کاربران قرار دارند که خود را با آنچه «شوفیلد» فناوری از مدافنده می نامد، راضی نگه می دارند.

حالا که قیمت تا اندازه عرضه انبوه محصولات به بازار پایین آمده، بازار به اندازه کافی جا دارد تا گستره وسیعی از فناوری های از رده خارج را نیز تحت پوشش خود قرار دهد. در آینده نزدیک، ما شاهد رشد سطوح گوناگونی از سیستم های مرتبط با فناوری اطلاعات خواهیم بود. پیشرفت های روزافزون در خط مقدم، سیستم های سال پیش را از مد می اندازد، اما آنها منسوخ نخواهند شد. حسابداران، کمپانی ها را تشویق می کنند که سیستم ها را طی یک دوره سه ساله از رده خارج کنند، اما واقعیت این است که این سیستم ها تا زمانی که نظام خدمات حمایتی در دسترس باشد، می توانند به راحتی از عهده کارها برآیند. محصولات و سیستم های مبتنی بر فناوری اطلاعات زمانی حقیقتاً منسوخ می شوند که دیگریج متخصصی برای ارائه خدمات مورد نیاز



# کارتن سازی ملک

سازنده انواع کارتن سه لایه و پنج لایه چاپ  
دایکات و لمینت  
بخش در سراسر ایران

انوبان افسر به ، ۴۵ متری آهنگ ، بعد از بل چهارم ، بلوار ابوذر ( به طرف دانشگاه )  
نمبش کوچه علامه امینی ، بلاک ۱۷۱  
تلفن : ۳۱۴۵۸۲۹ فاکس : ۳۱۴۴۴۷۷

معقول است که رشد اقتصادی رابطه‌ای مستقیم با کاهش نابرابری در ابعاد مذکور دارد، اما به هیچ وجه نمی‌توان تصور کرد که وارد شدن فناوری اطلاعات در یک کشور منجر به کاهش نابرابری‌ها در ابعاد گوناگون آن شود.

برای مثال، نابرابری میان زن و مرد از مشخصه‌های بارز تمام جوامع است، اما معمولاً این نابرابری‌ها در کشورهای در حال توسعه نسبت به کشورهای اسکاندیناوی در اشکال بسیار شدیدتری اعمال می‌شود. طبیعی است در جایی که با زنان منصفانه رفتار نمی‌شود، آنها از امکان دسترسی برابر به فناوری نوین اطلاعات نیز محروم باشند. در چنین شرایطی، ظهور فناوری اطلاعات بر نابرابری‌های موجود میان زنان و مردان خواهد افزود.

تفاوت در سطوح آموزشی که با نرخ متوسط سال‌های اشتغال به تحصیل ارزیابی می‌شود و همچنین سطح سواد که با تعداد بزرگسالانی که قادر به خواندن باشند مشخص می‌شود، نشانه‌هایی از نابرابری است که معمولاً تفاوت‌های ناشت گرفته از میزان درآمد ناخالص ملی را تشدید می‌کند. البته بدیهی است که دسترسی به سطوح گوناگون رشد و توسعه فناوری اطلاعات با سطوح گوناگون و مختلف سواد رابطه مستقیم دارد.

نابرابری‌های جنسی و تحصیلی، اهمیت عوامل فرهنگی و نهادی را که مستقل از سطح درآمدها، عنصر تعیین‌کننده‌ای در توانایی کسب و بهره‌برداری از محصولات و خدمات فناوری اطلاعات به‌شمار می‌روند، نشان داد. چنانکه در گزارش‌های UNDP نیز پیشنهادی مبنی بر استفاده از فناوری اطلاعات برای کاهش تفاوت‌ها در رشد و توسعه عرضه مشاهده نمی‌شود. البته کشورهای واقع در کناره پاسیفیک به شکل موفقیت‌آمیزی از تولید این محصولات به‌مثابه مبنایی برای رشد صنعتی بهره‌جسته‌اند و سنگاپور نیز بر پایه ارائه خدمات اطلاعاتی به پیشرفت‌هایی استثنایی نائل شده است، اما این کشورها استثناء به‌شمار می‌روند. به‌طور کلی به دلیل اینکه امکان رشد و توسعه در فناوری اطلاعات وابسته به سطح قابل قبولی از توسعه در تمام ابعاد است. می‌توان انتظار داشت که نابرابری‌های موجود میان کشورها و یا نابرابری در درون هر کشور، با رشد و توسعه فناوری اطلاعات به جای کاهش، تقویت شود.

## اقتصاد اطلاعاتی

یکی از مسائل اصلی برخاسته از رشد و توسعه سریع فناوری اطلاعات آن است که اطلاعات به موازات پیشرفت در این زمینه هرچه بیشتر در دسترس قرار می‌گیرد که این خود یک تناقض است. در صورت دسترسی آزاد به اطلاعات، تصور نمی‌شود که نیروهای بازار انگیزه‌ای کافی برای رشد و توسعه اقتصادی پایدار داشته باشند. همان‌طور که «برنسکوپ» اشاره می‌کند تولیدکنندگان اطلاعات، سرمایه‌های مالی و فکری خود را برای تولید محصولات اطلاعاتی

گسترده‌ای که در آن مدافعان حق مالکیت فکری و کلاس‌سازی اطلاعات با مفهوم سنتی دسترسی آزاد به اطلاعات ناسازگارند و همچنین گستره تناقضات این دو موضوع، پایه‌ای برای برخی مباحثات محسوب می‌شود که به فراسوی دغدغه‌های مادر این مقاله راه می‌برد. اما در عین حال، باید به این نکته توجه کرد که مجموعه عقاید و آرای مربوط به این دو دیدگاه تأثیرات مهمی در عرصه نابرابری در رشد و توسعه فناوری اطلاعات برجای می‌گذارد.

اگر باور داشته باشیم که بازار باید نقش مسلط را در توزیع اطلاعات ایفا کند، همان عواملی که در بخش‌های اول مقاله به تفصیل توصیف شد، منجر به تقویت نابرابری‌های موجود و خلق نابرابری‌های جدید می‌شود و از طرف دیگر، اگر سنت حاکم بر آموزش و پرورش و کتابخانه‌های عمومی حاکم شود، ممکن است اثرات جبرانی مثبتی در جهت دسترسی گسترده عموم به خدمات اطلاعاتی در پی داشته باشد.

هم‌اکنون هر دو دیدگاه، در شیوه بهره‌وری از انواع سیستم‌های اطلاعاتی مطرح‌ند و تنش میان این دو دیدگاه در مباحثات جاری پیرامون آینده اینترنت که به‌مثابه ابزاری برای ارتباط آزادانه الکترونیک میان فرهیختگان و دانشجویان عمل می‌کند، شکل‌آشکاری به خود گرفته است.

ارتباطات همواره برای خلق و پایداری جوامع انسانی عنصری ضروری به‌شمار می‌رفته، و به همین جهت، دستیابی به فناوری اطلاعات معمولاً احساسی از هویت ملی و یا جهانی را برمی‌انگیخته است. اما متأسفانه نابرابری‌های پیش‌بینی‌شده در این مقاله، اشاره به محدودیت‌هایی دارد که امکان دستیابی آزاد به فناوری اطلاعات را سلب می‌کند و نهایتاً چشم‌اندازی از جوامع تکه‌تکه و از هم‌گسیخته را پیش‌رو قرار می‌دهد.

این مقاله برگرفته از کتاب Information Technology and Society است که مجموعه‌ای کامل از دیدگاه‌های مختلف و بعضاً متضاد پیرامون رابطه فناوری اطلاعات و جامعه را در برمی‌گیرد این مجموعه توسط Open University (دانشگاه آزاد) انگلستان منتشر شده است.

ترجمه: بابک پاکزاد

**با این که شاهد گسترش استفاده از فناوری رایانه‌ای در جوامع مختلف و حتی افراد عادی هستیم، اما باز هم قیمت سرسام‌آور جدیدترین محصولات، امکان دسترسی «ندار»ها را به آنها غیر ممکن می‌کند**

به کار می‌گیرند، از این رو، باید به آنها برای حفظ اقتصاد اطلاعاتی بابت ارزش کارشان در بازار، پول پرداخت شود.

علاقه به مفاهیمی چون حقوق مالکیت فکری، کلاس‌سازی اطلاعات و مدیریت اطلاعات تأکید فزاینده بر ارزش اطلاعات و نقض آن در بازار را نشان می‌دهد. اما تأکید بر نقشی که اطلاعات باید در بازار عهده‌دار شود، در تناقض جدی با برخی دیدگاه‌های سنتی قرار می‌گیرد؛ دیدگاه‌هایی که در آموزش و پرورش و کتابخانه‌های عمومی از مدت‌ها پیش وجود داشته است. کارکرد سنتی آموزش و پرورش و کتابخانه‌ها این چنین است که اطلاعات را بدون پرداخت وجهی در اختیار قرار می‌دهند، البته اگر وجهی هم در کار باشد، مستقیماً به ارزش اطلاعاتی که مورد استفاده قرار می‌گیرد، مربوط نمی‌شود.